

## تبیین نقش و کارکرد ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند (با تأکید بر رقابت‌های میان هند و چین)

حسن سعادت<sup>\*</sup> - دکتری جغرافیای سیاسی، پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
یدالله کریمی پور - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی  
مراد کاویانی راد - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی  
احمد کارگر - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳      تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

### چکیده

پس از فروپاشی شوروی در سده بیستم، مناسبات ژئوپلیتیک در مقیاس جهانی سرشتی ژئواکونومیک‌محور یافت؛ بدین معنا که کارکرد اقتصادی مکان‌ها به آن‌ها وزن ژئوپلیتیک داد. خلیج چابهار فضای جغرافیایی واجد نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک است که در کانون توجه قدرت‌های اقتصادی دنیا قرار گرفته است؛ زیرا دسترسی به پهنه‌های اقیانوس هند را فراهم می‌کند و به منزله محل اتصال فضای درونی و میانی با فضای بزرگ می‌تواند در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند، در شکل‌دهی به سازمان همکاری‌های منطقه‌ای نقشی راهبردی ایفا کند. در این میان، ایران می‌تواند از این ظرفیت برای سامان‌دهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه در منطقه اقیانوس هند استفاده کند و از این راه منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان پیوند بزند. همچنین می‌تواند علاوه بر ارتقای منزلت ژئوپلیتیک خود در جهان و منطقه، با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید کند؛ از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی و تبیین نقش ژئوپلیتیک خلیج چابهار در رقابت میان دو قدرت هند و چین متمرکز است. روش‌شناسی حاکم بر پژوهش، روشی آمیخته است. پژوهشگر با مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های اکتشافی، شاخص‌های مدنظر را احصا کرده و ابزار پرسشنامه را برای تأیید روایی و پایایی نتایج مصاحبه‌ها را ساخته است. پس از تجزیه و تحلیل نتایج در محیط نرم‌افزاری SPSS، مشخص شد ژئوپلیتیک خلیج چابهار با اطمینان ۹۹ درصد در رقابت میان دو قدرت هند و چین اثرگذار است.

واژه‌های کلیدی: چابهار، چین، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، هند.

## مقدمه

کرانه‌های دریایی و اقیانوسی در طول تاریخ، بستری پرکشش برای سکونت انسان بوده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۸۸: ۹۸). با وجود این تا قرن ۱۶ میلادی خشکی‌ها هسته اصلی اقتصاد بشر را تشکیل می‌دادند. در این میان، اقتصاد جهانی مبتنی بر زمین بود، اما پس از قرن ۱۶ میلادی فصل جدیدی در نگرش بشر آغاز شد که تغییر از رویکرد خشکی‌محور به دریامحور بود؛ به طوری که اساس اقتصاد جهانی بر پایه دریا و قدرت دریایی شکل گرفته است و مناطق ساحلی از اهمیت ویژه‌ای در روند توسعه کشورها برخوردار شده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۲). تا امروز دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها بوده است. تصور این است که در اختیار داشتن آب‌های آزاد شرط ضروری برای رسیدن به قدرت جهانی است (کامران، ۱۳۸۱: ۴۶). اقیانوس هند با وسعت ۷۵ میلیون کیلومتر مربع، سومین پهنه آبی بزرگ جهان، راهبردی و اقتصادی است و قلب اقیانوس‌ها نام دارد (دهقان، ۱۳۹۰: ۴۸). این پهنه آبی در سده ۲۱ وارد دنیای جدیدی شد. در دهه اخیر، وقایع بی‌شماری توجه محافل سیاسی را به این منطقه جلب کرده است؛ به گونه‌ای که اقتصاد این سده در این منطقه رقم خواهد خورد. مهم‌ترین این وقایع تغییر موضع سیاست اقتصادی جهانی در قبال عرضه و توزیع و دسترسی منابع انرژی، به ویژه نفت و گاز و حفظ امنیت مسیر انتقال انرژی به کشورهای مقصد است. همچنین دسترسی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای اقیانوس هند به بازارهای مصرف آسیا، به ویژه آسیای مرکزی، افغانستان و اروپا از مهم‌ترین این وقایع به شمار می‌آید. همچنین تلاش کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و افغانستان برای دسترسی به اقیانوس هند از وقایع مهمی است که به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل شده است (سوواکول، ۱۳۹۱: ۲۵۸-۲۵۹). به عبارت دیگر، از دو دهه پیش تاکنون گفتمان ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی به تدریج به سوی مفاهیم ژئواکونومیک، به ویژه مفاهیم مرتبط با انرژی و سوخت‌های فسیلی سوق یافته است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۷). همچنین ژئوپلیتیک انرژی به کانون رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه اقیانوس هند تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که تقاضای جهانی انرژی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۳۰ به ۴۵ درصد افزایش یافت که نیمی از این رشد تقاضا به چین و هند مربوط است (اژانس بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). رویکرد سیاست خارجی چین به منطقه اقیانوس هند بر دو اصل اساسی مبتنی است. نخست فرصت‌سازی برای خود با منحرف کردن توجه دنیای غرب به این منطقه. درباره اصل دوم باید گفت تقاضای چین برای فرآورده‌های نفتی از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۵ دو برابر شده است.<sup>۱</sup> همچنین پیش‌بینی می‌شود این رقم تا ۱۵ سال آینده یا زودتر از آن به دو برابر افزایش یابد؛ بنابراین اصل دوم رویکرد سیاست خارجی چین، بستر ساز مناسبی برای نفوذ اقتصادی-سیاسی خود در منطقه به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی و عملی کردن راهبرد دستیابی به امنیت انرژی است (علمایی‌فر، ۱۳۸۰: ۲۴). از سوی دیگر تلاش چین برای گسترش بازارهای خود در آسیای مرکزی و اروپا موجب شده است اقیانوس هند در آینده‌ای نه‌چندان دور نقشی حیاتی در سرنوشت چین بازی کند و این کشور به یکی از بازیگران محوری و فعال در منطقه اقیانوس هند تبدیل شود.

هند دارنده چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است که با وجود رکود اقتصادی جهانی با میانگین رشد اقتصادی بالاتر از ۸ درصد طی چند سال گذشته به قدرتی اقتصادی در مقیاس جهانی تبدیل شده است. این میزان رشد نزدیک به رشد اقتصادی کشور همسایه و هم‌اورد آن یعنی چین است. این کشور پس از به دست آوردن استقلال خود، به ویژه در زمان رهبری جواهر لعل نهرو، تلاش‌های گسترده‌ای را برای دستیابی به نقشی فعال در منطقه اقیانوس هند داشته است (براون، ۱۹۸۱: ۲۵). براساس آمار اژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۰۹، جایگاه کشور هند در نظام جهانی در حال تغییر

1. <http://tonto.eia.doe.gov>

2. <http://www.eia.doe.gov>

است؛ به گونه‌ای که هند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، پرجمعیت‌ترین کشور جهان خواهد بود (کاپلان، ۱۳۸۹: ۱۸۲). این امر هند را به چهارمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان تبدیل می‌کند. همچنین این کشور در سال ۲۰۱۴ با اختصاص ۴/۸ درصد از مصرف انرژی جهانی بعد از آمریکا، چین و ژاپن در رتبه چهارم قرار داشت. همچنین در سال ۲۰۱۵ با افزایش ۱/۲ درصدی، ۶ درصد مصرف انرژی جهانی را به خود اختصاص داد و بعد از آمریکا و چین در رتبه سوم مصرف انرژی جهان قرار گرفت (سالنامه جهانی انرژی، ۱۳۹۵: ۱). در این میان، براساس آمار رسمی آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۱۵، میزان ۳۴/۵ درصد منابع انرژی هند وابسته به نفت است (پترولیوم، ۱۳۹۴: ۲۴) که در سال ۲۰۱۵ ۸۰ درصد آن از طریق واردات تأمین می‌شد.<sup>۱</sup> ۵۹ درصد این واردات در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ از راه خاورمیانه انجام شد؛ بنابراین تأمین نیازهای اساسی جمعیت هند، امری ضروری برای دولت‌مردان هندی خواهد بود که نشان‌دهنده افزایش میزان تقاضای این کشور برای منابع انرژی، به ویژه نفت و گاز در وهله نخست و بازار فروش محصولات خود، به ویژه در آسیای مرکزی و افغانستان در وهله دوم خواهد بود؛ از این رو هند نفوذ و حضور خود را از غرب تا شرق (از فلات ایران در غرب تا خلیج تايلند در شرق) گسترش می‌دهد (چشم‌اندازهای اقتصادی جهانی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)؛ بنابراین دو کلیدواژه اصلی در منطقه اقیانوس هند که رقابت‌های ژئوپلیتیک این منطقه را دیکته می‌کند، امنیت انرژی و دسترسی به بازار فروش خواهد بود. در نتیجه در دهه‌های آینده، چین و هند به دو بازیگر اصلی این منطقه تبدیل خواهند شد و بازیگرانی از قبیل آمریکا، ژاپن، مالزی، استرالیا و آفریقای جنوبی نیز حول محور این دو بازیگر اصلی حرکت می‌کنند؛ بدین ترتیب رقابت‌های ژئوپلیتیک اقیانوس هند در دو جبهه هند و چین صورت می‌گیرد؛ بنابراین امروزه موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت بخشی مناطق شمرده می‌شود. به طور طبیعی امکانات مناطقی که به آب‌های آزاد دسترسی دارند و دارای سواحل مناسبی از نظر توسعه هستند، بیشتر از مناطقی است که محصور در خشکی هستند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که به دلیل قرارگرفتن در موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب می‌تواند از این مزایا برای افزایش درآمدهای ارزی و ارتقای موقعیت راهبردی خود در منطقه به نحو مطلوب استفاده کند. در این میان، خلیج چابهار که بزرگ‌ترین خلیج ایران در حاشیه کرانه‌های دریای عمان و در جنوب خاوری ایران است، مزیت‌های ژئوپلیتیک مهمی برای کشورمان دارد که می‌تواند آن را به‌عنوان وزنه‌ای در سیستم بین‌المللی و سیستم جهانی در قرن ۲۱ مطرح کند. کرانه‌های اقیانوسی این خلیج در سطوح و مقیاس‌های گوناگونی نقش‌آفرینی می‌کنند و در افزایش منزلت و وزن ژئوپلیتیک ایران نقشی مثبت و تعیین‌کننده دارند، اما انزوای جغرافیایی جنوب شرق ایران، به ویژه خلیج چابهار به دلیل پرت بودن، دورافتادگی و ناشناخته بودن قابلیت‌های عظیم اقیانوس هند برای ایرانیان سبب کم‌رغبتی یا حساسیت اندک دولت‌ها به این منطقه شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶۹)؛ به گونه‌ای که در بخش‌های خاوری و جنوب خاوری کشور، فرصت‌های مهمی از دست رفته است. در این میان، منطقه خلیج چابهار با محوریت بندر چابهار و پایه قراردادن آن به‌عنوان کانون توسعه شرق، فرصت‌های ژئوپلیتیک ارزشمندی برای توسعه بخش‌های خاوری و جنوب خاوری ایران - که از توسعه‌نیافته‌ترین مناطق کشور به‌شمار می‌رود- در اختیار دولت قرار داده و رسالتی سنگین برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و توانمندی‌های بر دوش استراتژیست‌ها و تصمیم‌گیرندگان نهاده است.

استدلال پژوهش حاضر بر این است که خلیج چابهار که در جنوب خاوری استان سیستان و بلوچستان و در کرانه دریای عمان و اقیانوس هند قرار دارد، واجد نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک است که آن را در کانون توجه قدرت‌های اقتصادی دنیا قرار داده است؛ زیرا این خلیج دسترسی به پهنه‌های اقیانوس هند را فراهم می‌کند که این امر می‌تواند نتایج

ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های گوناگون از جمله حمل‌ونقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی برای ایران و قدرت‌های منطقه اقیانوس هند، به‌ویژه کشورهای هند و چین داشته باشد؛ بنابراین نزدیکی و دسترسی خلیج چابهار به آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند و کشورهای حوزه خلیج فارس، با جمعیتی حداقل ۲۰ درصد جمعیت جهان (کتابخانه مرجع آنکارتا، ۱۳۸۹) بازار بزرگ و مناسبی برای فعالیت و تبدیل‌شدن این منطقه به یکی از قطب‌های بازرگانی و اقتصادی آسیاست. در این میان نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک خلیج چابهار که محل اتصال فضای درونی و میانی با فضای بزرگ است، می‌تواند نقشی راهبردی در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند در قبال هند و چین داشته باشد. همچنین در شکل‌دهی به اتحادیه منطقه‌ای در ناحیه‌ای که به‌جز اتحادیه نوپای منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند<sup>۱</sup> هیچ اتحادیه منطقه‌ای وجود ندارد تأثیرگذار است. در نتیجه اگر دولتمردان این واقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک را دریابند، شاهد دگرگونی چشم‌انداز جغرافیایی و اقتصادی بخش‌های جنوب شرقی کشور هستند که یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی ایران و در عین حال از عقب‌افتاده‌ترین مناطق از جنبه‌های گوناگون توسعه به‌شمار می‌آید. چنین دگرگونی‌ای، تحولات دیگری در زمینه‌هایی مانند امنیت ملی و منطقه‌ای، از انزوای درآمدن جغرافیای منطقه، سنگین‌تر شدن وزن ژئوپلیتیک و به‌دنبال آن ارتقای منزلت ژئوپلیتیک کشور در نظام منطقه‌ای و جهانی را در پی خواهد داشت. بندر چابهار به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران و یکی از نقاط کلیدی در کنار خلیج فارس و دریای عمان در تحولات ژئوپلیتیک اقیانوس هند نقش‌آفرینی برجسته‌ای دارد. با توجه به این مهم، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که کرانه‌های اقیانوسی خلیج چابهار چه نقشی در رقابت‌های هند و چین دارند؟ به‌منظور دستیابی به پاسخ علمی این پرسش، این فرضیه مطرح می‌شود که کارکردهای ژئوپلیتیک خلیج چابهار در ابعاد اقتصادی و سیاسی، در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند، در قبال کشورهای کرانه‌ای اقیانوس هند، به‌ویژه هند و چین، موقعیت راهبردی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند با ایجاد منافع مشترک به‌عنوان مکمل اقتصادی این کشورها در قالب اتحادیه منطقه‌ای نقش‌آفرین باشد.

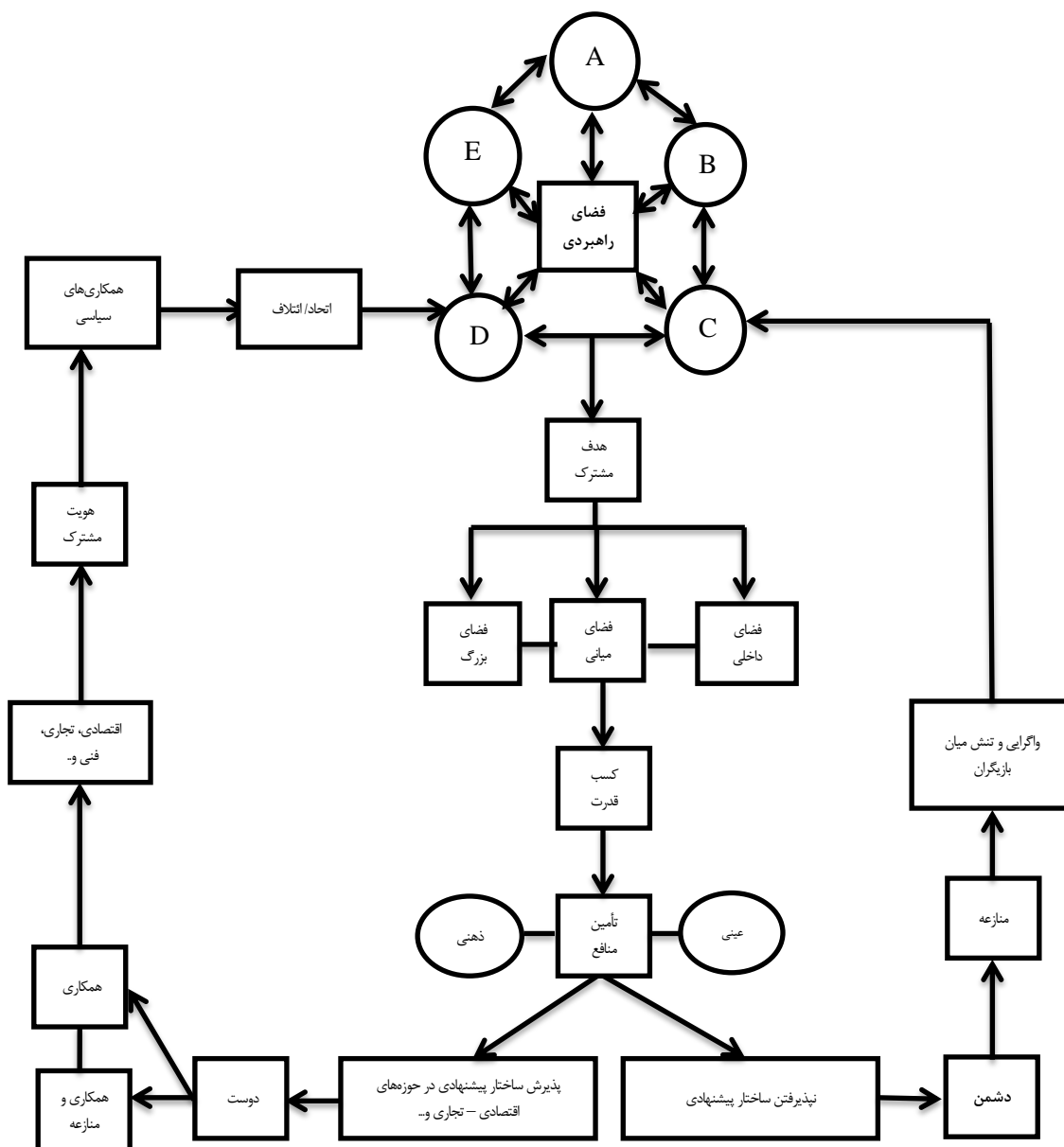
## مبانی نظری

اگر مدل را مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم نظری در نظریه‌ای کلی تعریف کنیم که درصدد تبیین موضوع یا مسئله‌ای خاص است (هانسن، ۱۳۷۹: ۴۹)، مدل و مبانی نظری که هدایت‌کننده و راهنمای مسیر این پژوهش در تبیین موضوع مورد بررسی است، از نوع تلفیقی به‌شمار می‌آیند؛ بدین‌گونه که به‌کمک نظریه ساختار فضایی کوهن منطقه مورد مطالعه در قالب یک منطقه ژئوپلیتیک ظاهر می‌شوند؛ فضایی که در حال ارتقا به منطقه‌ای ژئواستراتژیک است و کشورهای این منطقه با یکدیگر روابط سیستمی دارند. همچنین براساس تعاملات گسترش‌یابنده میان آن‌ها هم‌بستگی و انسجام آن‌ها پیوسته توسعه می‌یابد. همچنین نظریه‌های زیر از دیگر نظریه‌های پایه‌ای در این پژوهش محسوب می‌شوند: نظریه قدرت دریایی ماهان، برتری اقتصادی هانتینگتون و فضای بزرگ کریمی‌پور، نظریه واقع‌گرایی ساختاری که سیاستی منفعت‌محور است، نظریه بنتن که دستیابی به هدف مشترک ملاک آن است، نظریه فوکو، هابز، نورثالیسم و نظریه بازی‌ها، نظریه کارکردگرایی و سازه‌نگارانه الکساندر ونت که سیاست بین‌الملل را برساخته اجتماعی می‌داند که به‌کمک تعاملات و ارتباطات میان بازیگران سیاسی و واحدهای سیاسی شکل می‌گیرد. همچنین دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران این

۱. اتحادیه همکاری منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند (IOR) در سال ۱۹۹۷ با ابتکار هند و مورس آغاز به کار کرد. عضویت ایران در این اتحادیه نیز در سال ۱۳۹۰ خورشیدی در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به تصویب رسید و ایران یکی از اعضای اصلی این اتحادیه شد و از سال ۲۰۰۵ به مدت دو سال ریاست این اتحادیه را بر عهده داشت.

نظام بین‌الملل هستند. ساختار نظام بین‌الملل نیز مبتنی بر شناخت مشترک است. در این میان، همکاری یا منازعه پدیده‌ای بر ساخته و مبتنی بر این شناخت مشترک و رسیدن به هویتی مشترک است که در تعاملات دولت‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرد. بر این اساس، در سده بیست و یکم دیگر مباحث نظامی رنگ باخته و بر اساس نظریات هانتینگتون، دوران جدیدی است که ابزارهای رقابت میان کشورها اقتصادی است و میزان تولید ناخالص ملی و توسعه اقتصادی نقشی کلیدی در چینش و رده‌بندی کشورها و قدرت‌ها در نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. در جهان امروز منظور از قدرت، رابطه میان دولت-ملت‌هاست و از این منظر، قدرت دربردارنده مجموعه‌ای از موقعیت‌های راهبردی است که در سراسر نظام جهانی جاری است. در این رابطه می‌توان تصور کرد هیچ قدرتی وجود ندارد که کاملاً در دست یک بازیگر سیاسی باشد و به‌تنهایی بتواند بر دیگران اعمال سلطه کند؛ از این‌رو قدرت نه یک نهاد یا ساختار، بلکه ماشینی است که همه در آن گرفتارند؛ بنابراین امروزه دولت-ملت‌ها به یکدیگر وابسته هستند.

نای و کوهن ایده وابستگی متقابل را برای مفهوم‌سازی روابط کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مطرح کردند. امروزه نیز نقش مؤلفه‌های غیرنظامی و اقتصادی در امنیت و نامنی کشورها و درهم‌تنیدگی سرنوشت کشورهای گوناگون به تصمیم‌های یکدیگر صرف‌نظر از مقیاس و اندازه قدرت مادی آن‌هاست؛ از این‌رو در یک منطقه ژئوپلیتیک بازیگران سیاسی جمع می‌شوند و تعاملی دوسویه با یکدیگر دارند تا به هدفی مشترک برسند. آن‌ها در این راه ناگزیر از پیوند فضاهای داخلی، میانی و بزرگ برای کسب قدرت هستند. زمانی که بازیگری اهرم قدرت را در دست داشته باشد، از آن برای تعقیب منافع ملی خود استفاده می‌کند که این منافع به دو دسته منافع عینی و ذهنی تقسیم می‌شود. منافع عینی نیازها و الزامات کارکردی هستند که تأمین آن‌ها برای بازتولید هویت ضروری است. در ارتباطات با دولت‌ها می‌توان به بقای فیزیکی، خودمختاری، رفاه اقتصادی و احترام به نفس جمعی اشاره کرد، اما نوع دیگری از منافع، ذهنی هستند که به باورهای اشاره می‌کنند که کنشگران درباره چگونگی تأمین نیازهای هویتی خود دارند؛ بنابراین بازیگران سیاسی به کمک کاربرد مؤثر و عاقلانه قدرت به دنبال تأمین منافع ملی خویش هستند. در این منطقه ژئوپلیتیک، ناگزیر از ورود به چرخه فرایند تعاملات و روابط با سایر بازیگران جلوگیری می‌شود. در این میان سه نوع سناریو جاری است: ۱. همه بازیگران از وزن ژئوپلیتیک بالا و یکسانی برخوردار هستند و تمایز و تفاوتی میان آن‌ها مشهود نیست. ۲. همه بازیگران وزن ژئوپلیتیک پایینی دارند؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌توانند به مدیریت و ایفای نقش فعال در میان دیگر بازیگران بپردازند. ۳. بیشتر بازیگران وزن ژئوپلیتیک پایینی دارند و یک یا دو بازیگری که قدرت اثرگذاری و نقش‌آفرینی آن‌ها بیشتر از دیگران است و به نوعی هژمون در آن منطقه محسوب می‌شود، ساختارهای پیشنهادی اقتصادی، تجاری و... را در منطقه تعریف می‌کنند. در صورتی که کنشگران سیاسی حاضر این ساختار پیشنهادی را تأیید کنند و بپذیرند، به‌عنوان دوست شناخته خواهند شد. در ادامه روابط این بازیگران با یکدیگر در بستر دو گزاره همکاری یا همکاری و منازعه جاری خواهد شد؛ بنابراین همکاری در بسترهای اقتصادی، تجاری و فنی... آغاز می‌شود و بازیگران به هویتی مشترک در میان خود دست می‌یابند که در ادامه آن شکل‌گیری اتحادیه، پیمان یا ائتلاف‌های منطقه‌ای دور از ذهن نخواهد بود. از سوی دیگر در صورتی که کنشگر یا کنشگران ساختار پیشنهادی را نپذیرند، به‌عنوان دشمن شناخته خواهند شد و روابط میان آن‌ها بر پایه منازعه و تنش هویت می‌یابد که این امر به واگرایی میان این کنشگران منجر خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان مدل مفهومی و چارچوب نظری را در شکل ۱ ارائه کرد.

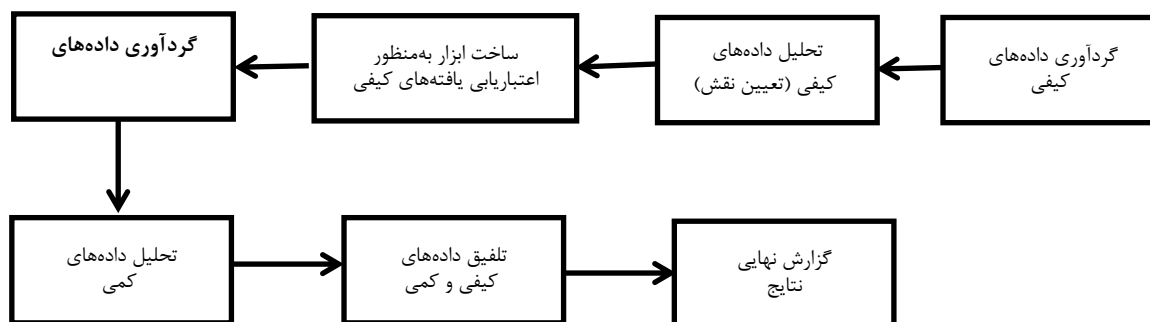


شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش  
منبع: نگارندگان

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های آمیخته و ترکیبی متوالی اکتشافی است که ارتباط میان دو متغیر ژئوپلیتیک خلیج چابهار و رقابت‌های هند و چین را بررسی می‌کند. این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که برحسب هدف، در حوزه پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. همچنین به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای، فیش‌برداری) و میدانی (مصاحبه و توزیع پرسشنامه) انجام شده و داده‌های آن با بهره‌گیری از بسته‌های نرم‌افزاری آمار استنباطی SPSS جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است. فرایند اجرای پژوهش بدین صورت است که پژوهشگر براساس روش دلفی به مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و تصمیم‌سازان سیاسی تراز اول (حلقه اصلی) درباره تبیین نقش خلیج چابهار در رقابت‌های میان هند و چین پرداخته است. در فرایند مصاحبه، داده‌ها از اشخاصی جمع‌آوری شود که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای در حوزه مورد مطالعه دارند که این امر از طریق دیگران قابل‌وصول نیست. پس از مصاحبه، نتایج جمع‌آوری و تحلیل شد. در گام دوم،

پس از جمع‌بندی نتایج روش دلفی، نتایج در قالب ابزار پرسشنامه تنظیم، و در اختیار حلقهٔ وسیع‌تری از کسانی که اطلاع از موضوع پژوهش داشتند، از قبیل کارشناسان، خبرگان، استادان، پژوهشگران، کارشناسان مسائل سیاسی و... قرار گرفت. اعتبار روایی و پایایی پرسشنامه‌ها به کمک اعتبار صوری (ضریب لاشه) و آلفای کرونباخ حاصل شد. در گام سوم، نتایج روش دلفی و پرسشنامه‌ای جمع‌آوری و با یکدیگر تلفیق شدند. در مراحل بعدی نیز پس از بررسی و مقوله‌بندی این اطلاعات، مدل مفهومی و انتزاعی با توجه به اهداف تدوین و درنهایت، گزارش پژوهش نیز تدوین شد. به‌طور کلی راهبرد پژوهش حاضر در شکل ۲ آمده است:



شکل ۲. روند شماتیک راهبرد پژوهش  
منبع: نگارندگان

### جامعه آماری و نمونه آماری

در پژوهش‌های پیمایشی همواره جمعیت جامعه مدنظر قرار می‌گیرد و سپس درصدی از آن به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شود. روش نمونه‌گیری در پژوهش‌های آمیخته، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری کمی و کیفی است؛ بنابراین در راهبردهای نمونه‌گیری آمیخته ممکن است از همهٔ روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و احتمالی استفاده شود. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری آمیختهٔ متوالی استفاده شد؛ از این‌رو پژوهشگر پس از مشخص کردن جامعه آماری در گروه الف (سطح راهبردی) صاحب‌نظران را اولویت‌بندی کرد. سپس فرایند مصاحبه از همهٔ افراد جامعه آغاز شد و تا زمانی که کفایت نظری برای پژوهشگر آشکار شود، ادامه یافت. نمونه‌های آماری مصاحبه براساس نمونه‌گیری نظری و جهت‌دار انتخاب شده است. فرایند مصاحبه‌ها نیز به‌گونه‌ای صورت گرفت تا مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مفاهیم و مقوله‌ها هم از حیث کمی و هم کیفی توسعه یابند. در پژوهش حاضر، از میان ۱۹ صاحب‌نظر معرفی‌شده، با ۱۲ نفر مصاحبه شد و پس از مصاحبهٔ نهم، پژوهش جاری به کفایت نظری رسید و مصاحبه‌های بعدی تنها برای تأیید و تکمیل نتایج مصاحبه و مؤیدی بر این موضوع بود. درمورد نمونه‌های آماری در گروه ب (کارشناسان) پژوهشگران، به‌صورت هدفمند پس از تخمین و برآورد حجم جامعه آماری به ۳۱ نفر در این گروه دست یافتند.

### سنجش متغیرهای پژوهش

#### الف) تعریف نظری متغیر مستقل

ژئوپلیتیک خلیج چابهار: در حوزهٔ ژئوپلیتیک از مجموع سه دالان<sup>۱</sup> حمل‌ونقل جهانی که کارشناسان سازمان ملل برای این امر پیش‌بینی کرده‌اند، دو دالان از ایران می‌گذرد و چابهار نقطهٔ عبور جنوبی‌ترین دالان شرقی-غربی جهان خواهد بود.

چابهار در طرح توسعه محور شرق، محور ترانزیتی شرق نامیده می‌شود (یورپویان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). این کریدور از دروازه ابریشم در چین آغاز می‌شود، قلب اقتصاد این کشور یعنی استان کانتون را تغذیه می‌کند و به سرزمین آسیای جنوب شرقی می‌پیوندد. پس از طی این مسیر نیز وارد هندوستان می‌شود و با پوشش مهم‌ترین شهرهای این ناحیه مانند کلکته، ناکاپور، جایپور، حصیرآباد، کراچی و بن قاسم به چابهار می‌رسد. از سوی دیگر، بندر چابهار آسان‌ترین و راهبردی‌ترین راه دسترسی به آب‌های آزاد برای شش کشور محاط در خشکی در آسیای مرکزی است. این منطقه به کمک شبکه حمل‌ونقل زمینی و هوایی از شمال به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان، از شرق به پاکستان و از جنوب به اقیانوس هند اتصال می‌یابد. دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد و قراردادن در خارج از خلیج فارس، همچنین آسیب‌پذیر نبودن در مواقع بروز بحران و موقعیت راهبردی خاص از دیگر ویژگی‌های چابهار است (عزتی و شکری، ۱۳۹۱: ۹).

### ب) تعریف عملیاتی متغیر مستقل

در تعریف عملیاتی ابتدا شاخص‌های هر یک از متغیرها از درون مصاحبه‌ها احصا شد. سپس براساس آن‌ها پرسش‌های مربوط به هر متغیر مطرح و سنجیده شد (جدول ۱).

### ج) تعریف نظری متغیر وابسته رقابت میان هند و چین

اقیانوس هند در سده بیست و یکم وارد دنیای جدیدی شد؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد اقتصاد این سده در این منطقه رقم خواهد خورد. مهم‌ترین این وقایع تغییر موضع سیاست اقتصاد جهانی در قبال عرضه و توزیع و دسترسی منابع انرژی، به‌ویژه نفت و گاز و حفظ امنیت مسیر انتقال انرژی به کشورهای مقصد، همچنین دسترسی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای اقیانوس هند به بازارهای مصرف آسیا، به‌ویژه آسیای مرکزی، افغانستان و اروپاست. از سوی دیگر، تلاش کشورهای خشکی‌بست آسیای مرکزی و افغانستان برای دسترسی به اقیانوس هند است که مسئله‌ای بین‌المللی محسوب می‌شود. همچنین انتقال محور تجارت جهانی از حوزه آتلانتیک و پاسیفیک به منطقه اقیانوس هند، رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در این منطقه را آغاز و انرژی را به کانون موضوعات ژئوپلیتیک در این منطقه تبدیل کرده است. در حال حاضر نیز اولویت انرژی جهانی و علایق تجارت دریایی موجب شده است اقیانوس هند و ژئوپلیتیک انرژی بیشتر از گذشته در کانون توجهات قرار بگیرد؛ بنابراین غرب آسیا به دلیل نیاز مداوم برای دسترسی به منابع انرژی، همچنان یک منطقه حیاتی باقی مانده است. همچنین نگرانی‌های گسترده ژئواستراتژیک درباره کنترل ذخایر انرژی وجود دارد و نیازمندی‌های انرژی روبه‌رشد آسیا از جمله چین و هند و جنوب شرق آسیا این واقعیت را می‌رساند که آن‌ها مجبورند برای دسترسی به منابع خاورمیانه رقابت کنند.

### د) تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته

برای تعریف عملیاتی متغیر وابسته رقابت‌های هند و چین، ابتدا شاخص‌هایی تعیین شد که بتوان براساس آن‌ها نوع و میزان رقابت هند و چین را در منطقه سنجید؛ بنابراین با توجه به جدول ۱، پرسش‌ها بر مبنای شاخص‌های به‌دست‌آمده از نتایج مصاحبه‌ها طرح و آزموده شد.

### بحث و یافته‌ها

در پژوهش حاضر، با توجه به پویابودن موضوع، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی بازیگران سیاسی و قدیمی بودن منابع مکتوب، فرایند اجرای کار میدانی پژوهش با گردآوری اطلاعات به کمک مصاحبه آغاز و نتایج اجرای مصاحبه تحلیل شد. سپس همه مصاحبه‌ها روی کاغذ اجرا شد و متون در جدول‌های مربوط که هر ردیف آن به یک داده خام اختصاص



داشت، یادداشت شد. در مرحله بعد، با استفاده از روش مقایسه‌کردن<sup>۱</sup> و پرسش مداوم در این مورد که داده‌ها با چه مفهومی مشابهت بیشتری دارند، عناوین مفهومی از داده‌های خام دریافت شد و از درون آن‌ها مقولات ظهور یافت. سپس داده‌های کیفی، کمی شدند و پس از تعیین روایی و پایایی آن‌ها، پرسشنامه ساخته شد و در اختیار حلقه کارشناسی قرار گرفت. پس از گردآوری اطلاعات، بازبینی تک‌تک مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها صورت گرفت تا در صورت وجود پرسشنامه‌ای با اطلاعات ناقص، این پرسشنامه‌ها از فرایند تجزیه و تحلیل خارج شوند. سپس پرسشنامه‌ها کدگذاری<sup>۲</sup> شدند، اطلاعات آن‌ها به نرم‌افزار SPSS/PC/22 وارد شد و تجزیه و تحلیل آن‌ها صورت گرفت. این کار در دو سطح به شرح زیر انجام شد:

۱. تجزیه و تحلیل یک‌متغیره: در این مرحله، نمودارها، هیستوگرام‌ها و وضعیت هریک از متغیرها با استفاده از آمارهای توصیفی بررسی شد. این آمارها شامل معیارهای تمایل به مرکز (میانگین، میانه، نما و...)، معیارهای پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات، حداقل، حداکثر و...)، نسبت‌ها و درصدها (فراوانی، درصد، درصد معتبر و...) هستند.
  ۲. تجزیه و تحلیل دو متغیره: در تحلیل دو متغیری، روابط متغیرها آزموده شد. در این بخش با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و نرمال بودن توزیع مقیاس‌ها، از آزمون فرض T-Test استفاده شد.
- پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، شاخص‌های مدنظر درباره متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مشخص شد. پژوهشگر نیز برای تعیین روایی و پایایی نتایج مصاحبه، پرسشنامه‌ای ساخت و در میان حلقه مدیران و کارشناسان در منطقه مورد مطالعه توزیع کرد تا مشخص شود دیدگاه‌های گروه کارشناسی (عملیاتی) که در منطقه حضور دارند، چه میزان با دیدگاه نخبگان هم‌پوشانی دارد. فرایند ساخت پرسشنامه با احصای شاخص‌های مربوط به هر متغیر (جدول ۱) آغاز و مشخص شد سطوح و ابعاد شاخص‌ها با یکدیگر متفاوت هستند؛ بنابراین پژوهشگر شاخص‌ها را در سه مقیاس (ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) و ابعاد (اقتصادی، سیاسی و نظامی-امنیتی) دسته‌بندی کرد. در ادامه نیز پرسشنامه مدنظر طراحی و پیش‌آزمون<sup>۳</sup> شد تا ضریب آلفای کرونباخ متغیرها مشخص شود. پرسش‌هایی که درجه آلفای آن‌ها پایین‌تر از ۰/۷۵ بود، برای افزایش ضریب اطمینان حذف شدند. پس از آن پرسشنامه نهایی و برای توزیع در میان جامعه آماری مربوط آماده شد.

جدول ۱. نمای کلی مقوله‌ها و مفاهیم دوازده مصاحبه

ردیف	متغیر مستقل	شاخص‌ها
۱	ژئوپلیتیک خلیج چابهار	فراهم کردن موقعیت تجاری و اقتصادی مناسبی برای ج. ا. ا. تسلط بر خلیج فارس و شریان‌های حیاتی و اقتصادی رهایی از وابستگی به خلیج فارس پایگاهی برای صدور نفت و محصولات نفتی ایران کارکرد ارتباطی خلیج چابهار نداشتن پسرکرائه مناسب غفلت ایران در بحث توسعه خلیج چابهار موقعیت جغرافیایی مناسب خلیج چابهار ثبات و پتانسیل ایران تولید اشتغال و توسعه جنوب شرق تسلط بر مناطق / گذرگاه انرژی و کالا راهبردی بودن خروج ایران از انزوا افزایش وزن ژئوپلیتیک انزوای سیاسی و اقتصادی ایران و رشد بندرهای گوادر، سلاله، جبل علی

1. Comparative
2. Code Sheet
3. Pretese

## ادامه جدول ۱. نمای کلی مقوله‌ها و مفاهیم دوازده مصاحبه

رديف	متغیر مستقل	شاخص‌ها
		<p>رویکرد ایدئولوژیک ج. ا. ا</p> <p>قرارنگرفتن چابهار در اولویت بودجه‌ای کشور</p> <p>محدودیت‌های قانون اساسی در واگذاری بخشی از خلیج چابهار به سایر کشورها</p> <p>وجود سیستم مدیریت سیاسی فضای متمرکز</p> <p>روابط و مناسبات خارجی سازنده با کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان</p> <p>دیپلماسی قوی و سازنده با قدرت‌های منطقه</p> <p>روابط و تعامل سازنده ایران با کشورهای همسایه</p> <p>عزم ملی و اراده سیاسی</p> <p>نیود برنامه آمایش سرزمین</p> <p>نقش گروه‌های فشار</p> <p>نحوه تعامل ج. ا. ا در نظام بین‌الملل</p> <p>خالاً ژئوپلیتیک جمعیت</p> <p>افزایش همگرایی بلوچ‌ها با بدنه سیاسی</p> <p>حل معضل امنیتی جنوب شرق ج. ا. ا</p> <p>دفاع از تنگه هرمز</p> <p>تسلط دیدگاه امنیتی و نظامی به جنوب شرق کشور</p> <p>سکوی ارتباطی مناسبی با آسیای مرکزی و اروپا</p> <p>تبدیل شدن خلیج چابهار به مرکز تجارت</p> <p>دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و افغانستان</p> <p>دسترسی به منابع اولیه معدنی و غیرمعدنی آسیای مرکزی و افغانستان</p>
۲	رقابت‌های هند و چین	<p>زمینه‌ساز همکاری و همگرایی چین و هند</p> <p>تبدیل شدن چابهار به مرکز تجاری</p> <p>قابلیت دسترسی چین به اروپا</p> <p>دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و افغانستان</p> <p>دسترسی به منابع اولیه معدنی و غیرمعدنی آسیای مرکزی و افغانستان</p> <p>مکمل نبودن اقتصاد ایران-چین و هند</p> <p>توسعه اقتصادی خلیج چابهار و خلیج گوادر و گسترش همکاری میان چین و هند</p> <p>ایجاد منافع مشترک میان هند و چین</p> <p>انتقال خطوط نفت و گاز از چابهار به هند، پاکستان و چین</p> <p>کسب حوزه نفوذ در آسیای مرکزی و افغانستان</p> <p>شکل‌گیری منافع مشترک میان بازیگران</p> <p>صف‌بندی‌های قدرت و خلیج چابهار</p> <p>حضور چین و هند در چابهار</p> <p>رقابت میان هند و چین</p> <p>موازنه قوای هند در برابر چین</p> <p>کمک به نفوذ چین و هند در افغانستان و کاهش رادیکالیسم</p> <p>پایگاهی برای قدرت‌های جهانی</p>



شکل ۳. مدل مفهومی تحلیل کیفی  
منبع: نگارندگان

## توصیف داده‌ها

توزیع پرسشنامه‌ها به نحوی بود که ۳۱ کارشناس و خیره شهرستان‌های چابهار، کنارک و تهران به آن‌ها پاسخ دادند. از این میزان ۷ نفر ساکن چابهار، ۱۱ نفر ساکن کنارک و ۱۰ نفر ساکن تهران بودند. ۳ نفر نیز به این گزینه پاسخی ندادند.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر شهرستان

وضعیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
چابهار	۷	۲۲/۶	۲۵	۲۵
کنارک	۱۱	۳۵/۵	۳۹/۳	۶۴/۳
تهران	۱۰	۳۲/۳	۳۵/۷	۱۰۰
جمع	۲۸	۹۰/۳	۱۰۰	-
بی‌جواب	۳	۹/۷	-	-
جمع کل	۳۱	۱۰۰	-	-

۵۲ درصد پاسخ‌دهندگان مدرک کارشناسی، ۲۳ درصد مدرک کارشناسی ارشد و ۲۷ درصد نیز مدرک دکتری داشتند.

## فراوانی متغیرها در گویه‌های متغیر وابسته رقابت هند و چین

اولین متغیر وابسته پژوهش حاضر رقابت هند و چین است که هفده پرسش از پرسشنامه توزیع شده به آن اختصاص دارد. برای اینکه پژوهشگر بتواند پاسخی صحیح از آزمودنی‌ها دریافت کند، پرسش‌ها به‌نوعی طراحی شدند تا هیچ حساسیتی ایجاد نکنند. درباره شاخص‌های رقابت‌های هند و چین با توجه به شکل ۴ و جدول ۳، در این بخش ابتدا پارامترهایی که سبب ایجاد رقابت میان هند و چین در منطقه می‌شوند دریافت شد و سپس هریک از گویه‌ها به‌دست آمد. با توجه به جدول ۳ در پاسخ به پرسش نقش خلیج چابهار در زمینه‌ساز همکاری و همگرایی چین و هند، ۴۵ درصد (۱۴ نفر) پاسخگویان معتقد بودند این خلیج می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی چین و هند باشد. ۱۵ درصد (۵ نفر) معتقد بودند نقشی در همگرایی میان چین و هند وجود ندارد. ۹۳ درصد (۲۹ نفر) نیز معتقد بودند تبدیل شدن چابهار به مرکز تجاری نقش بسیار زیاد و زیادی در تمایل کشورها برای حضور در چابهار دارد. حدود ۷ درصد نیز تا حدی چنین نظری داشتند. از دیدگاه ۵۸ درصد، چابهار قابلیت دسترسی به اروپا را برای چین فراهم می‌کند. حدود ۱۳ درصد نیز مخالف چنین نظری بودند. نزدیک به ۸۴ درصد نیز معتقد بودند چابهار دسترسی به منابع اولیه معدنی و غیرمعدنی آسیای مرکزی و افغانستان را فراهم می‌کند. ۵۸ درصد نیز مکمل نبودن اقتصادهای ایران-هند و چین را عاملی منفی در نقش آفرینی خلیج چابهار دانسته‌اند. ۴۸ درصد معتقد بودند توسعه اقتصادی خلیج چابهار و خلیج گوادر سبب گسترش همکاری میان چین و هند خواهد شد. ۶۱ درصد نیز ایجاد منافع مشترک میان هند و چین را زمینه‌ساز همگرایی میان دو کشور دانسته‌اند. ۷۴ درصد انتقال خطوط نفت و گاز از چابهار به هند، پاکستان و چین را محوری برای همگرایی میان کشورها دانسته‌اند. حدود ۸۴ درصد پاسخ‌دهندگان کسب حوزه نفوذ در آسیای مرکزی و افغانستان برای بازیگران سیاسی توسط چابهار را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. نزدیک به ۸۷ درصد نیز شکل‌گیری منافع مشترک میان بازیگران را عاملی مؤثر برای همکاری‌های سیاسی دانسته‌اند. ۴۵ درصد نقش چابهار را در صاف‌بندی‌های قدرت و خلیج چابهار تا حدی ارزیابی کرده‌اند. ۷۱ درصد حضور چین و هند در چابهار را عاملی مؤثر در تحولات اقیانوس هند دانسته‌اند. ۸۰ درصد چابهار را عاملی برای هند ارزیابی کرده‌اند تا سبب ایجاد موازنه قوا در برابر چین شود. حدود ۵۲ درصد پاسخ‌دهندگان نقش چابهار را در کمک به نفوذ چین و هند در افغانستان و کاهش رادیکالیسم تا حدی دانسته‌اند. ۷۸ درصد نیز چابهار را پایگاهی برای قدرت‌های جهانی در نظر گرفته‌اند.

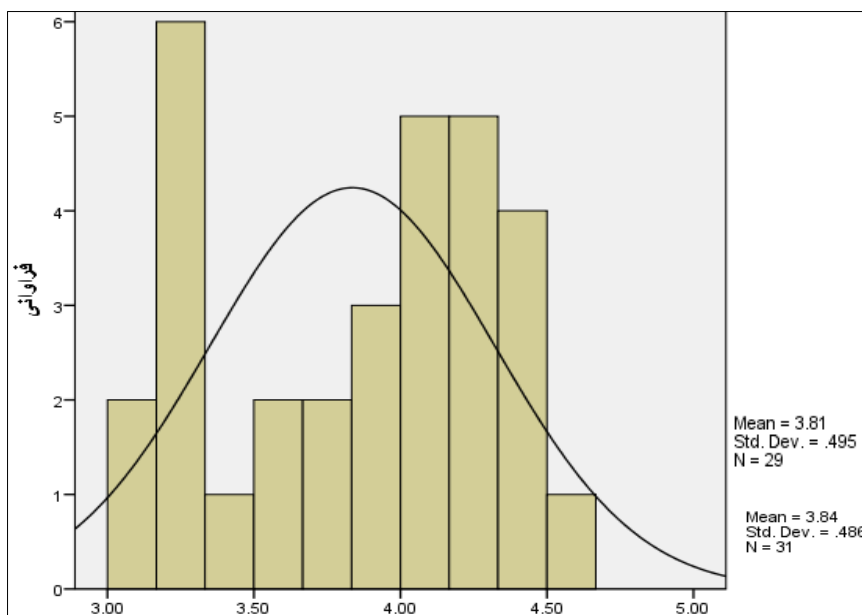
جدول ۳. فراوانی و درصد گویه‌های متغیر وابسته رقابت میان هند و چین

گویه‌ها	بسیار زیاد		زیاد		تا حدی		کم		بسیار کم	
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف
۱. زمینه‌ساز همکاری و همگرایی چین و هند	۱۰	۳۲/۳	۴	۱۲/۹	۱۲	۳۸/۷	۲	۶/۵	۳	۹/۷
۲. تبدیل شدن چابهار به مرکز تجاری	۱۰	۳۲/۳	۱۹	۶۱/۳	۲	۶/۵	۰	۰	۰	۰
۳. قابلیت دسترسی چین به اروپا	۴	۱۲/۹	۱۴	۴۵/۲	۹	۲۹	۴	۱۲/۹	۰	۰
۴. دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و افغانستان	۱۴	۴۵/۲	۱۳	۴۱/۹	۲	۶/۵	۲	۶/۵	۰	۰
۵. دسترسی به منابع اولیه معدنی و غیرمعدنی آسیای مرکزی و افغانستان	۱۲	۳۸/۷	۱۴	۴۵/۲	۵	۱۶/۱	۰	۰	۰	۰
۶. مکمل نبودن اقتصاد ایران، چین و هند	۷	۲۲/۶	۱۱	۳۵/۵	۱۱	۳۵/۵	۲	۶/۵	۰	۰
۷. توسعه اقتصادی خلیج چابهار و خلیج گوادر و گسترش همکاری میان چین و هند	۷	۲۲/۶	۸	۲۵/۸	۱۰	۳۲/۳	۲	۶/۵	۴	۱۲/۹
۸. ایجاد منافع مشترک میان هند و چین	۵	۱۶/۱	۱۴	۴۵/۲	۴	۱۲/۹	۵	۱۶/۱	۳	۹/۷
۹. انتقال خطوط نفت و گاز از چابهار به هند، پاکستان و چین	۱۴	۴۵/۲	۶	۱۹/۴	۷	۲۲/۶	۳	۹/۷	۰	۰
۱۰. کسب حوزه نفوذ در آسیای مرکزی و افغانستان	۱۶	۵۱/۶	۱۰	۳۲/۳	۵	۱۶/۱	۰	۰	۰	۰
۱۱. شکل‌گیری منافع مشترک میان بازیگران	۸	۲۵/۸	۱۹	۶۱/۳	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۱۲. صفت‌بندی‌های قدرت و خلیج چابهار	۳	۹/۷	۱۰	۳۲/۳	۱۴	۴۵/۲	۲	۶/۵	۲	۶/۵
۱۳. حضور چین و هند در چابهار	۱۰	۳۲/۳	۱۲	۳۸/۷	۹	۲۹	۰	۰	۰	۰
۱۴. رقابت میان هند و چین	۵	۱۶/۱	۱۷	۵۴/۸	۸	۲۵/۸	۰	۰	۰	۰
۱۵. ایجاد موازنه قوای هند در برابر چین	۵	۱۶/۱	۲۰	۶۴/۵	۱	۳/۲	۵	۱۶/۱	۰	۰
۱۶. کمک به نفوذ چین و هند در افغانستان و کاهش رادیکالیسم	۱۳	۴۱/۹	۲	۶/۵	۱۶	۵۱/۶	۰	۰	۰	۰
۱۷. پایگاهی برای قدرت‌های جهانی	۷	۲۲/۶	۸	۲۵/۸	۴	۱۲/۹	۱۲	۳۸/۷	۰	۰

با توجه به اینکه پاسخ پرسش‌ها، طیفی پنج‌گزینه‌ای (بسیار زیاد، زیاد، تا حدی، کم، بسیار کم) دارد، پس از تجزیه و تحلیل پرسش‌های مربوط به متغیر رقابت میان هند و چین جدول ۴ به دست آمد و مشخص شد میانگین نمره پاسخگویان به متغیر رقابت میان هند و چین ۳/۹۰ است که از گزینه تا حدی (۳) بالاتر و نزدیک به زیاد است؛ بدین معنا که از نظر پاسخگویان ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند مؤثر بوده است.

جدول ۴. شاخص‌های مربوط به متغیر رقابت میان هند و چین

شاخص‌ها	رقابت هند و چین
فراوانی	۲۹
بی‌جواب	۲
میانگین	۳/۸۱
میانه	۳/۹۴
انحراف معیار	۰/۴۹
دامنه تغییرات	۱/۵۳
حداقل	۳/۰۶
حداکثر	۴/۵۹



شکل ۴. هیستوگرام شاخص‌های رقابت میان هند و چین

دومین متغیر بررسی شده و متغیر مستقل این پژوهش، ژئوپلیتیک خلیج چابهار است. ۴۱ پرسش از پرسشنامه‌های توزیع شده میان کارشناسان منطقه به این متغیر مربوط است. در این بخش، ابتدا شاخص‌های ژئوپلیتیک خلیج چابهار مشخص و بر مبنای آن‌ها ۴۱ پرسش طرح شد. با توجه به جدول ۵ در پاسخ به اولین پرسش مبنی بر اینکه خلیج چابهار چه میزان موقعیت تجاری و اقتصادی مناسبی برای ج.ا.ا فراهم می‌کند، بیش از ۹۶ درصد، گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کردند. دربارهٔ دومین پرسش این بخش، حدود ۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بودند خلیج چابهار به میزان زیادی برای هند و چین تسلط بر خلیج فارس و شریان‌های حیاتی و اقتصادی را فراهم می‌کند. ۳۲ درصد گزینهٔ تا حدی را انتخاب کردند و ۷۷ درصد نیز دربارهٔ خلیج چابهار و رهایی از وابستگی به خلیج فارس، گزینهٔ بسیار زیاد و زیاد را برگزیدند. تقریباً همهٔ پاسخ‌دهندگان معتقد بودند خلیج چابهار پایگاهی برای صدور نفت و محصولات نفتی ایران است. دربارهٔ تأثیرگذاری شرکت‌های چندملیتی و خصوصی بر نقش‌آفرینی خلیج چابهار ۹۰ درصد افراد گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کردند. در پاسخ به این پرسش که «آیا حضور هند در چابهار موجب از دست دادن بازار افغانستان برای ایران» می‌شود، حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان چنین نظری نداشتند. دربارهٔ بهره‌برداری از چاه‌های نفت مشترک در بخش خصوصی و انتقال آن به هند و چین، ۷۴ درصد معتقد به افزایش بسیار زیاد و زیاد نقش‌آفرینی خلیج چابهار بودند، اما ۷۴ درصد نیز معتقد بودند قرارگرفتن در خارج از منطقهٔ آزاد یکی از عوامل اصلی کاهش و تضعیف نقش‌آفرینی خلیج چابهار است. همچنین بیش از ۹۰ درصد نداشتن پسرکانهٔ مناسب خلیج چابهار را یکی دیگر از عوامل اصلی کاهش و تضعیف نقش‌آفرینی خلیج چابهار دانسته‌اند. ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان نیز نقش خلیج چابهار را در خروج ایران از انزوای بسیار زیاد و زیاد ارزیابی کرده‌اند. در این خصوص که خلیج چابهار چه میزان در افزایش وزن ژئوپلیتیک ایران اثرگذار است، حدود ۷۴ درصد گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کردند. تقریباً همهٔ پاسخ‌دهندگان (حدود ۹۸ درصد) معتقد بودند تغییر رویکرد ایران از ژئوپلیتیک به ژئواکونومیک در افزایش نقش‌آفرینی خلیج چابهار تأثیر بسیار زیاد و زیاد دارد. ۳۱ نفر از پاسخ‌دهندگان (۱۰۰ درصد) روابط و تعامل سازندهٔ ایران با کشورهای همسایه را در نقش‌آفرینی خلیج چابهار بسیار زیاد و زیاد دانسته‌اند. بیش از ۹۳ درصد نیز معتقد بودند که می‌توان معضلات امنیتی جنوب شرق را در خلیج چابهار رفع کرد. ۹۳ درصد نیز خلیج چابهار را پایگاهی مؤثر در دفاع از تنگهٔ هرمز دانستند.

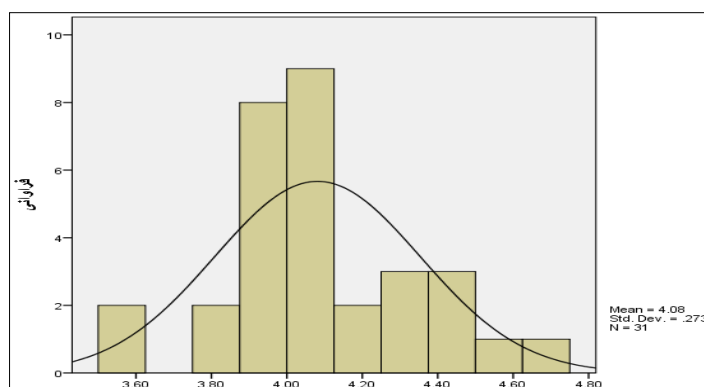
## جدول ۵. توزیع فراوانی و درصد گویه‌های متغیر مستقل ژئوپلیتیک خلیج چابهار

گویه‌ها	بسیار زیاد		زیاد		تا حدی		کم		بسیار کم	
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف
۱. فراهم کردن موقعیت تجاری و اقتصادی مناسبی برای ج.ا.ا.	۲۱	۶۷/۷	۹	۲۹	۱	۳/۲	۰	۰	۰	۰
۲. تسلط بر خلیج فارس و شریان‌های حیاتی و اقتصادی	۶	۱۹/۴	۱۲	۳۸/۷	۱۰	۳۲/۳	۳	۹/۷	۰	۰
۳. رهایی از وابستگی به خلیج فارس	۹	۲۹	۱۵	۴۸/۴	۴	۱۲/۹	۲	۶/۵	۱	۳/۲
۴. پایگاهی برای صدور نفت و محصولات نفتی ایران	۱۵	۴۸/۴	۱۵	۴۸/۴	۱	۳/۲	۰	۰	۰	۰
۵. حضور شرکت‌های چندملیتی	۱۳	۴۱/۹	۱۵	۴۸/۴	۲	۶/۵	۱	۳/۲	۰	۰
۶. حضور هند در چابهار و از دست دادن بازار افغانستان برای ایران	۸	۲۵/۸	۷	۲۲/۶	۶	۱۹/۴	۸	۲۵/۸	۱	۳/۲
۷. بهره‌برداری از چاه‌های نفت مشترک توسط بخش خصوصی	۱۲	۳۸/۷	۱۱	۳۵/۵	۶	۱۹/۴	۲	۶/۵	۰	۰
۸. قرارگرفتن خارج از منطقه آزاد	۱۶	۵۱/۶	۷	۲۲/۶	۴	۱۲/۹	۳	۹/۷	۱	۳/۲
۹- کارکرد ارتباطی خلیج چابهار	۱۲	۳۸/۷	۱۳	۴۱/۹	۵	۱۶/۱	۱	۳/۲	۰	۰
۱۰- نداشتن پسرکانه مناسب	۱۸	۵۸/۱	۱۰	۳۲/۳	۳	۹/۷	۰	۰	۰	۰
۱۱- غفلت ایران در بحث توسعه خلیج چابهار	۷	۲۲/۶	۷	۲۲/۶	۹	۲۹	۸	۲۵/۸	۰	۰
۱۲- انتقال خطوط لوله نفت و گاز به چابهار	۶	۱۹/۴	۱۶	۵۱/۶	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۱۳- موقعیت جغرافیایی مناسب خلیج چابهار	۱۵	۴۸/۴	۱۲	۳۸/۷	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۱۴- تولید اشتغال و توسعه جنوب شرق	۲۱	۶۷/۷	۱۰	۳۲/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۵- تبدیل شدن خلیج چابهار به هاب مبادلات تجاری	۱۲	۳۸/۷	۱۹	۶۱/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۶. تسلط بر مناطق / گذرگاه انرژی و کالا	۱	۳/۲	۲۱	۶۷/۷	۹	۲۹	۰	۰	۰	۰
۱۷. توجه اقتصادی مسیر چابهار	۱۱	۳۵/۵	۲۰	۶۴/۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۸. راهبردی بودن	۱۰	۳۲/۳	۱۵	۴۸/۴	۶	۱۹/۴	۰	۰	۰	۰
۱۹. خروج ایران از انزوا	۱۸	۵۸/۱	۵	۱۶/۱	۸	۲۵/۸	۰	۰	۰	۰
۲۰. افزایش وزن ژئوپلیتیک	۱۲	۳۸/۷	۱۱	۳۵/۵	۸	۲۵/۸	۰	۰	۰	۰
۲۱. انزوای سیاسی و اقتصادی ایران و رشد بندرهای گوادار، سلاله، جبل علی	۱۱	۳۵/۵	۷	۲۲/۶	۹	۲۹	۴	۱۲/۹	۰	۰
۲۲. خلیج چابهار و تغییر وجه سیاسی-امنیتی	۸	۲۵/۸	۱۹	۶۱/۳	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۲۳. اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک توسط ج.ا.ا	۱۴	۴۵/۲	۱۲	۳۸/۷	۱	۳/۲	۴	۱۲/۹	۰	۰
۲۴. قرارنگرفتن چابهار در اولویت بودجه‌های کشور	۱۲	۳۸/۷	۱۴	۴۵/۲	۵	۱۶/۱	۰	۰	۰	۰
۲۵. محدودیت‌های قانون اساسی در واگذاری بخشی از خلیج چابهار به سایر کشورها	۵	۱۶/۱	۱۰	۳۲/۳	۱۵	۴۸/۴	۱	۳/۲	۰	۰
۲۶. وجود سیستم مدیریت سیاسی فضای متمرکز	۸	۲۵/۸	۱۶	۵۱/۶	۷	۲۲/۶	۰	۰	۰	۰
۲۷. روابط و تعامل سازنده ایران با کشورهای همسایه	۶	۱۹/۴	۲۱	۶۷/۷	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۲۸. وجود بوروکراسی اداری	۱۳	۴۱/۹	۱۳	۴۱/۹	۱	۳/۲	۴	۱۲/۹	۰	۰
۲۹. تغییر پارادایم ایران	۲۱	۶۷/۷	۹	۲۹	۱	۳/۲	۰	۰	۰	۰
۳۰. شکل دادن به نظام منطقه‌ای	۳	۹/۷	۱۵	۴۸/۴	۴	۱۲/۹	۵	۱۶/۱	۴	۱۲/۹
۳۱. دیپلماسی با قدرت‌های منطقه	۱۳	۴۱/۹	۸	۲۵/۸	۱۰	۳۲/۳	۰	۰	۰	۰
۳۲. حضور هند در چابهار و تنزل موقعیت سیاسی ایران در افغانستان	۳	۹/۷	۹	۲۹	۱۰	۳۲/۳	۵	۱۶/۱	۴	۱۲/۹
۳۳. روابط و تعامل سازنده ایران با کشورهای همسایه	۱۹	۶۱/۳	۱۲	۳۸/۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۴. نبود برنامه آمایش سرزمین	۱۰	۳۲/۳	۱۱	۳۵/۵	۱۰	۳۲/۳	۰	۰	۰	۰
۳۵. نقش گروه‌های فشار	۹	۲۹	۴	۱۲/۹	۱۱	۳۵/۵	۴	۱۲/۹	۳	۹/۷
۳۶. نحوه تعامل ج.ا.ا در نظام بین‌الملل	۱۷	۵۴/۸	۱۱	۳۵/۵	۳	۹/۷	۰	۰	۰	۰
۳۷. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای	۷	۲۲/۶	۱۳	۴۱/۹	۵	۱۶/۱	۶	۱۹/۴	۰	۰
۳۸. تأمین امنیت مسیر انتقال انرژی به هند	۴	۱۲/۹	۱۳	۴۱/۹	۱۲	۳۸/۷	۰	۰	۰	۰
۳۹. افزایش همکاری بلوچ‌ها با بدنه سیاسی	۱۳	۴۱/۹	۱۲	۳۸/۷	۴	۱۲/۹	۰	۰	۰	۰
۴۰. حل معضل امنیتی جنوب شرق ج.ا.ا	۱۶	۵۱/۶	۱۳	۴۱/۹	۲	۶/۵	۰	۰	۰	۰
۴۱. دفاع از تنگه هرمز	۱۸	۵۸/۱	۱۱	۳۵/۵	۲	۶/۵	۰	۰	۰	۰

پس از تجزیه و تحلیل پرسش‌های مربوط به متغیر مستقل ژئوپلیتیک خلیج چابهار، جدول ۶ به دست آمد که در آن میانگین نمره پاسخگویان به متغیر ژئوپلیتیک خلیج چابهار ۴/۰۸ و از گزینه زیاد (۴) بالاتر است؛ بدین معنا که از نظر پاسخگویان ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند مؤثر بوده است.

جدول ۶. شاخص‌های مربوط به متغیر ژئوپلیتیک خلیج چابهار

شاخص‌ها	ژئوپلیتیک خلیج چابهار
فراوانی	۳۱
بی‌جواب	۰
میانگین	۴/۰۸
میانه	۴/۰۵
انحراف معیار	۰/۲۷
دامنه تغییرات	۱/۱۰
حداقل	۳/۵۶
حداکثر	۴/۶۶



شکل ۵. هیستوگرام شاخص‌های ژئوپلیتیک خلیج چابهار

## تحلیل داده‌ها

مقیاس سنجش متغیرها در پژوهش حاضر طیف لیکرت است و این مقیاس در سطح رتبه‌ای متغیرها را می‌سنجد؛ در ابتدا برای تعیین نرمال یا غیرنرمال بودن مقیاس‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

جدول ۷. آزمون فرض کولموگروف-اسمیرنوف

شاخص‌ها	ژئوپلیتیک خلیج چابهار	رقابت‌های هند و چین
N	۲۵	۲۹
میانگین	۴/۰۹	۳/۸۱
انحراف معیار	۰/۳۰	۰/۴۹
آماره Z	۰/۱۰۴	۰/۱۷۷
معناداری	۰/۲	۰/۲۱

نتایج این آزمون نشان می‌دهد، میانگین نمره پاسخگویان به متغیرهای ژئوپلیتیک خلیج چابهار ۴/۰۹ و رقابت‌های هند و چین ۳/۸۱ است. از آنجا که انحراف از معیار در متغیر ژئوپلیتیک خلیج چابهار پایین‌تر است، پاسخ‌دهندگان درباره ژئوپلیتیک خلیج چابهار اتفاق نظر بیشتری دارند. این وضعیت در شاخص معناداری متغیرها نیز تأیید شده است. با توجه به نتایج آزمون فرض کولموگروف-اسمیرنوف (جدول ۷)، معناداری متغیرهای ژئوپلیتیک خلیج چابهار و رقابت‌های هند و

چین در سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر و در نتیجه مقیاس‌های پژوهش نرمال است. به همین دلیل از آزمون فرض  $t$  استیودنت برای اثبات یا رد فرضیه این پژوهش استفاده شده است.

فرضیه این پژوهش این است که کارکردهای ژئوپلیتیک خلیج چابهار در ابعاد اقتصادی و سیاسی، در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند، در قبال کشورهای کرانه‌ای اقیانوس هند، به‌ویژه هند و چین موقعیت راهبردی دارد؛ به‌گونه‌ای که با ایجاد منافع مشترک به‌عنوان مکمل اقتصادی این کشورها در قالب یک اتحادیه منطقه‌ای نقش‌آفرین است.

در این فرضیه نیز پژوهشگر نقش ژئوپلیتیک خلیج چابهار در رقابت‌های هند و چین را آزموده است. پس از آزمون فرض (جدول ۸) و شاخص‌های آماری به‌دست‌آمده مشخص شد سطح معناداری صفر است. با توجه به کوچک‌تری بودن سطح معناداری از آلفای ۰/۰۵ ( $P < 0/05$ ) فرض صفر رد و بدین ترتیب فرضیه این پژوهش تأیید شد. از سوی دیگر با توجه به اینکه میانگین پاسخ‌دهندگان ۳/۸۱ بود، با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان گفت کارکردهای ژئوپلیتیک خلیج چابهار در ابعاد اقتصادی و سیاسی، در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند، در قبال کشورهای کرانه‌ای اقیانوس هند به‌ویژه هند و چین، موقعیت راهبردی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با ایجاد منافع مشترک به‌عنوان مکمل اقتصادی این کشورها در قالب اتحادیه منطقه‌ای نقش‌آفرینی کرد. این امر در فاصله اطمینان نیز بار دیگر تأیید شد و با توجه به مثبت و بالاتر از صفر بودن قسمت ابتدا و انتهای فاصله اطمینان، فرض صفر پژوهش رد شد.

جدول ۸. آزمون فرض T-Test و معناداری متغیر رقابت‌های هند و چین

شاخص‌ها متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معناداری (Sig. 2-tailed)	فاصله اطمینان بالاتر	پایین‌تر
رقابت‌های هند و چین	۲۹	۳/۸۱	۰/۴۹	۸/۸۵	۲۸	۰/۰۰	۱	۰/۶۲

## نتیجه‌گیری

اقیانوس هند اقیانوسی راهبردی و اقتصادی است که در سده بیست‌ویکم وارد دنیای جدیدی شد. همچنین در دهه اخیر، وقایع بی‌شماری توجه محافل سیاسی را به این اقیانوس جلب کرده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت اقتصاد این در این منطقه رقم خواهد خورد. مهم‌ترین این وقایع تغییر و انتقال محور تجارت جهانی از حوزه آتلانتیک و پاسیفیک به منطقه اقیانوس هند است که رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در این منطقه را آغاز کرده است. همچنین ژئوپلیتیک انرژی، به‌کانون رقابت‌های ژئوپلیتیک و تحولات در منطقه اقیانوس هند تبدیل شده است. پژوهش حاضر به‌عنوان پژوهشی هم‌بستگی به‌دنبال بررسی و شناخت تأثیرات ژئوپلیتیک خلیج چابهار بر رقابت‌های هند و چین بود. پژوهشگر در قسمت مبانی نظری پژوهش، دیدگاه‌های گوناگون درباره بازیگران سیاسی را بررسی و تحلیل کرد. همچنین نظریه‌هایی که می‌توانست مبنا و چارچوبی برای پیش‌بردن این پژوهش قرار بگیرد، انتخاب شد و چارچوب مفهومی پژوهش بر آن اساس شکل گرفت. در نهایت نیز مدل تلفیقی استخراج و به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شد. با توجه به جنس روش پژوهش، ابتدا طیفی از نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه اقیانوس هند مشخص شدند و مصاحبه عمیق و اکتشافی صورت گرفت. در گام بعد پس از اجرا و تحلیل نتایج مصاحبه‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط محور مورد مطالعه مشخص شدند و پس از آن ابزار پرسشنامه برای سنجش روایی و پایایی مصاحبه‌ها ساخته شد. پرسشنامه‌ها بر مبنای شاخص‌های



احصاشده ساخته و میان دو طیف از کارشناسانی که در حوزه عملیاتی قرار دارند توزیع شد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده نیز به کمک نرم‌افزار SPSS بررسی شد. نتیجه تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد میان ژئوپلیتیک خلیج چابهار و رقابت‌های هند و چین، ارتباط معناداری در سطح آلفای  $P=0/00$  برقرار است. در نتیجه میان دو متغیر هم‌بستگی وجود دارد. با اطمینان ۰/۹۹ درصد می‌توان گفت هرگاه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ژئوپلیتیک خلیج چابهار به‌درستی استفاده شود، میزان نقش‌آفرینی این خلیج در حوزه اقیانوس هند به‌ویژه رقابت‌های هند و چین افزایش خواهد یافت. از پاسخ به پرسشنامه‌ها چنین استنباط می‌شود که ۸۲ درصد صاحب‌نظران و کارشناسان اعتقاد دارند که ژئوپلیتیک خلیج چابهار بر تحولات اقیانوس هند بسیار تأثیرگذار است.

پرسش این پژوهش مبنی بر نقش کرانه‌های اقیانوسی خلیج چابهار در رقابت‌های میان هند و چین بود که مشخص شد ۸۱ درصد از نخبگان و صاحب‌نظران معتقدند شاخص‌های ژئوپلیتیک خلیج چابهار در ابعاد گوناگون تأثیر بسیاری بر تحولات اقیانوس هند دارد. در این میان، با مدیریت و استفاده صحیح و منطقی از این شاخص‌ها می‌توان فضایی در منطقه ایجاد کرد تا بتوان در حوزه اقتصادی منافع کشورهای ایران، چین، هند، پاکستان را به خلیج چابهار گره زد و به‌نوعی در هم‌تنیدگی اقتصادی در خلیج چابهار ایجاد کرد تا همه بازیگران ذکر شده صرف‌نظر از هرگونه دسته‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیکی از آن منتفع شوند. این امر زمینه‌ساز جهت‌دهی به تحولات اقیانوس هند در سده بیست‌ویکم خواهد بود. در واقع خلیج چابهار به‌مثابه سکه‌ای است که در یک طرف آن همکاری (ژئوپاسفیک) و بر روی دیگر آن رقابت و منازعه (ژئوپلیتیک) قرار دارد. ایران و سایر بازیگران سیاسی با درپیش گرفتن رویکرد ژئواکونومیک می‌توانند با اشتراک منافع در خلیج چابهار به تحولات اقیانوس هند جهت دهند؛ بنابراین ایران و سایر بازیگران با دو رویکرد مواجه هستند؛ رویکرد ژئوپلیتیک و رویکرد ژئواکونومیک که هر یک چشم‌انداز و فضایی ویژه دارند. اگر بازیگران از پنجره ژئوپلیتیک به فضای جغرافیایی بنگرند، فضایی را خواهند دید که در آن عناصر ساختاری و کارکردی به‌صورت انفرادی یا اجتماعی یا به‌صورت ناقص یا کامل در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و... نقش‌آفرین هستند و خواه‌ناخواه توجه بازیگران سیاسی در ابعاد و مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی را به این فضای ژئوپلیتیک جلب می‌کنند. در نتیجه بازیگران وارد این فضای جغرافیایی می‌شوند و کنش و اندرکنش‌های گوناگون برای تصاحب منابع قدرت آفرین برای ارتقای وزن ژئوپلیتیک خود در نظام جهانی قدرت و بالعکس محروم کردن دیگران صورت می‌گیرد؛ زیرا رقابت ذات ژئوپلیتیک را شکل می‌دهد؛ بنابراین در فضای جغرافیایی رقابت میان بازیگران شکل می‌گیرد؛ از این رو می‌توان اقیانوس هند را منطقه‌ای ژئوپلیتیک دانست که در آن بازیگران مختلف محلی و جهانی برای کسب و تصاحب منابع قدرت به ایفای نقش می‌پردازند، اما اگر از رویکرد ژئواکونومیک به چشم‌انداز بیرون نظر کنیم، با فضایی جغرافیایی روبه‌رو می‌شویم که بازیگران با داشتن دیدگاه‌های اجابتی به‌دنبال منتفع‌شدن در سایه همکاری با سایر بازیگران هستند. به عبارت دیگر منطق حاصل جمع جبری غیرصفر جایگزین منطق حاصل جمع جبری صفر می‌شود و بازیگران در مسیر ژئوپاسفیک گام می‌گذارند؛ بنابراین اگر ج.ا.ا از پنجره ژئواکونومیک و ژئوپاسفیک به حوزه اقیانوس هند بنگرد، با فضایی مساعد برای آغاز همکاری و همگرایی با قدرت‌های چین و هند و همچنین سایر بازیگران روبه‌رو خواهد شد که می‌توان از این فرصت برای افزایش وزن و ارتقای موقعیت در گام نخست و سایر بازیگران استفاده کرد. بر این اساس پیشنهادهایی از پژوهش در سه بخش اقتصادی، سیاسی و نظامی-امنیتی و در سه مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای افزایش نقش‌آفرینی خلیج چابهار در حوزه اقیانوس هند به شرح زیر ارائه شده است.

**الف) بخش اقتصادی**

یکی از مؤلفه‌های اصلی و تأثیرگذار در نقش‌آفرینی خلیج چابهار در رقابت‌های میان هند و چین شاخص‌ها و مفاهیم اقتصادی کرانه‌های اقتصادی این خلیج است. براساس آمار تجزیه و تحلیل، پرسشنامه‌ها و مصاحبه با صاحب‌نظران، کارشناسان و مبانی نظری این حوزه، مقوله اقتصاد اولین گام و درواقع مهم‌ترین مرحله در نقش‌آفرینی خلیج چابهار در رقابت میان هند و چین است. همچنین براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، پیشنهادهایی به شرح زیر در این حوزه ارائه می‌شود:

- جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بین‌المللی در منطقه چابهار؛
- فراهم کردن زیرساخت‌ها با مشارکت کشورهایمانند چین و هند؛
- نداشتن پسرکرانه مناسب در خلیج چابهار (یکی دیگر از نقاط ضعف این خلیج است که باید تمهیداتی درباره آن اندیشیده شود)؛
- توسعه اقتصادی خلیج چابهار و خلیج گوادر؛
- گسترش همکاری‌های اقتصادی پایین‌تر از سطح منطقه‌ای میان بندرهای منطقه مانند خلیج چابهار و بندر سلاله عمان؛
- شکل‌گیری و ایجاد منافع مشترک میان ایران، چین و هند و همچنین سایر بازیگران حوزه اقیانوس هند در خلیج چابهار؛
- انتقال خطوط لوله نفت و گاز از حوزه خلیج فارس به خلیج چابهار.

**ب) بخش سیاسی**

نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک کرانه‌های اقیانوسی خلیج چابهار در حوزه سیاسی دومین مرحله از اثرگذاری این خلیج در تحولات اقیانوس هند و رقابت میان هند و چین است. اگر گام نخست (مؤلفه اقتصادی) به‌صورتی منطقی و صحیح عملیاتی شود، فاز سیاسی نیز در ادامه فاز اول تکمیل‌کننده نقش‌آفرینی خلیج چابهار در حوزه اقیانوس هند خواهد بود؛ بنابراین پیشنهادهایی که می‌توان در این حوزه ارائه کرد، به شرح زیر است:

- اصلاح و بازنگری مدیریت سیاسی فضا در منطقه چابهار و شکل‌گیری مدیریت محلی، مانند منطقه آزاد کیش در خلیج چابهار؛
- تسهیل و حذف فرایند بوروکراتیک اداری ترخیص کالا در خلیج چابهار؛
- عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای؛
- واگذاری بخشی از خلیج چابهار به قدرت‌های منطقه مانند چین و هند برای سرمایه‌گذاری؛
- تعامل سازنده ایران با کشورهای منطقه به‌ویژه در حوزه آسیای مرکزی؛
- ابهام راهبردی در دستگاه سیاست خارجی ایران در قبال بازیگرانی مانند هند، پاکستان و چین یکی از چالش‌ها و آسیب‌های متصور در این حوزه است؛
- آسیب‌شناسی سازمان اتحادیه همکاری منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند<sup>۱</sup> و دعوت ایران از بازیگران منطقه‌ای برای شکل‌گیری یک اتحادیه منطقه‌ای ایجابی با محوریت ایران (خلیج چابهار)، هند و چین؛
- هم‌راستاشدن دستگاه سیاست خارجی ایران با ژئوپلیتیک خلیج چابهار.

**ج) بخش نظامی-امنیتی**

قرارگرفتن ایران در منطقه بحرانی جنوب غرب آسیا از یک سو و انزوای ایران در محیط بین‌المللی سبب شده است تا

ایران رویکردی نظامی-امنیتی به‌ویژه در جنوب شرق کشور را در دستور کار خود قرار دهد؛ بنابراین خلیج چابهار واجد نقش‌آفرینی و اثرگذاری در این حوزه است که در خروج ایران از انزوا و همچنین ارتقای جایگاه و وزن ژئوپلیتیک ایران عاملی مهم محسوب می‌شود که می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

- ایجاد پایگاه لجستیکی برای ارائه خدمات پشتیبانی به کشتی‌های نظامی و تجاری.

### **سیاسگزاری**

نویسندگان از تلاش‌های دکتر محسن آهنی و دیگر استادانی که در روند انجام پژوهش با ارائه نظرات عالمانه خود بر غنای آن افزودند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارند.

## منابع

۱. براون، دیترو، ۱۹۸۱، ویژگی‌های جدید در روابط هند با کشورهای ساحلی اقیانوس هند، ترجمه همایون الهی، انتشارات قومس، تهران.
۲. پورپویان، رضا، صابرفرزاد، حمید و اسماعیل پارسایی، ۱۳۸۹، ظرفیت‌های مکانی توسعه منطقه آزاد چابهار (فرصت‌ها، تنگناها و راهکارها)، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۷۳-۲۷۴، صص ۱۵۰-۱۶۵.
۳. دهقان، یداله و مهدی کاظمی، ۱۳۹۰، بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، کتاب آبی، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
۴. سوواکول، بنجامین، ۱۳۹۱، مرجع امنیت انرژی، ترجمه علیرضا طیب، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
۵. عزتی، عزت‌اله و شمس‌الدین شکری، ۱۳۹۱، بررسی جایگاه چابهار در ترانزیت شمال-جنوب و نقش آن در توسعه شهرهای هم‌جوار، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱-۱۴.
۶. کریمی‌پور، یدالله و محمد حیدری، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی، چاپ اول، تهران.
۷. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۸۰، ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت‌معلم، تهران.
۸. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۸۹، ارزیابی ژئوپلیتیک بازارهای گاز طبیعی ایران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۶، شماره ۱۹، صص ۷-۲۵.
۹. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۹۲، جزوه درسی بنیان‌های ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه خوارزمی.
۱۰. کامران، حسن، ۱۳۸۱، علل توسعه‌نیافتگی مناطق آزاد ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره هفدهم، شماره ۲-۳، صص ۳۲-۴۲.
11. Brown, D., 1981, **New Features in Indian Relationships with the Coastal States of the Indian Ocean, Translated by Homayoun Elahi**, Ghomes Publications, Tehran. *(In Persian)*
12. Pourpooyan, R., Saffarrzam, H., and Esmaeil, P., 2010, **Spatial Capabilities of Chabahar Free Zone Development (Opportunities, Bottlenecks, and Solutions)**, Economic and Political Magazine, 273-274, PP.150-165. *(In Persian)*
13. Dehghan, Y., and Mehdi, K., 2011, **An Investigation of Iran-India Relationships in the Shadow of the Advent of India as a Regional Power**, Blue Book, Abrar Contemporary Press, Tehran. *(In Persian)*
14. Swakool, B., 2012, **Energy Security Reference**, Alireza Tayeb Translation, Abrar Contemporary Publication, Tehran. *(In Persian)*
15. Ezzati, E., and Shokri, Sh., 2012, **Study of the Position of Chabahar in the North-South Transit and Its Role in the Development of Neighboring Towns**, Geographical Quarterly, Ninth Year, No. 36, PP. 1 - 14. *(In Persian)*
16. Karimipour, Y., and Heidari, M., 2009, **Geopolitics of Iranian Sea Shores From Integrated Coastal Zone Management Perspectives**, Ports and Maritime Organization Press, First Printing, Tehran. *(In Persian)*
17. Karimipour, Y., 2001, **Iran and Its Neighbors (Sources of Tension and Threat)**, First Edition, Tarbiat Moallem University Press, Tehran. *(In Persian)*
18. Karimipour, Y., 2010, **Geopolitical Evaluation of Iran's Natural Gas Markets**, Journal of Applied Research of Geographic Sciences, Volume 16, Issue 19, PP. 7-25. *(In Persian)*

19. Karimipour, Y., 2013, **Booklet of Geopolitical Foundations of Iran**, Kharazmi University. (*In Persian*)
20. Kamran, H., 2002, **Causes of Underdevelopment in Free Regions of Iran**, Quarterly Journal of Geographic Survey, Volume 17, Issue 2-3, Series 66-65, PP. 32-42. (*In Persian*)
21. **Bloomberg Report India`S Oil Imports**, 2016.
22. **Bp Statistical Review of World Energy**, 2009.
23. **BP Statistical Review of World Energy**, 2015.
24. **Global Economic Prospects**, 2016.
25. Hansen, B. E., 2000, **Sample Splitting and Threshold Estimation**, Econometrica, Vol. 68, No. 3, May.
26. <http://economictimes.indiatimes.com>.
27. <http://tonto.eia.doe.gov>.
28. International Energy Agency, 2007, **World Energy Outlook**, Paris.
29. International Energy Agency, 2007.
30. Microsoft Encarta Reference Library, 2010.
31. Robert D. K., 2010, **Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power**, Random House, Published October 2010.
32. [www.wto.org/statistics](http://www.wto.org/statistics), World Trade Organization International Trade Statistics 2015, PP. 41-42, 2016.
33. **Global Energy Statistical Yearbook**, 2016.